

چارچوب قراردادی فرایند برچیدن تأسیسات و تجهیزات نفتی

عبدالحسین شیروی^{۱*}، مهین فلاحتی^۲

۱. استاد گروه حقوق خصوصی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
 ۲. کارشناس ارشد حقوق نفت و گاز، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
- (تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۵)

چکیده

پس از اینکه استخراج و تولید از میدان نفتی یا گازی به پایان رسید، برچیدن تأسیسات و تجهیزات طرح اجتناب‌ناپذیر است. دشواری این فرایند به‌طور عمده ناشی از خاتمه سودآوری میدان و مشکل تأمین منابع مالی برای آن است. مصادف‌شدن عملیات برچیدن با توقف دوره سودآوری میدان، میزان مسئولیت دولت میزبان و شرکت‌های نفتی خارجی در برچیدن تأسیسات و تجهیزات نفتی باقیمانده و پرداخت هزینه‌های آن را با ابهام مواجه می‌کند. برخلاف بسیاری از کشورهای توسعه یافته، کشورهای صادرکننده نفت از جمله ایران، فاقد چارچوب قانونی مناسب برای پرداختن به ابعاد گوناگون فرایند برچیدن هستند. به همین دلیل، این نقیصه بیشتر از طریق شروط قراردادی جبران می‌شود. در این مقاله ترتیبات قراردادی حاکم بر فرایند برچیدن و حقوق و تعهدات هر یک از طرفین در انجام‌دادن آن بررسی شده، بیان می‌گردد که در قراردادهای نفتی ایران این امر تا چه حد رعایت شده است.

کلیدواژگان

برچیدن تأسیسات و تجهیزات نفتی، چارچوب قراردادی برچیدن، قراردادهای نفتی، قراردادهای نفتی ایران.

* نویسنده مسئول، رایانامه: ashiravi@ut.ac.ir

مقدمه

پس از آنکه تولید و بهره‌برداری از میدان نفتی یا گازی توجیه اقتصادی خود را از دست داد، برچیدن تأسیسات و تجهیزات نفتی فرایندی اجتناب‌ناپذیر است. پایان کار میدان به معنای پایان کار تأسیسات است و باید سرنوشت چاه‌ها، انواع سکوه‌های نفتی، خطوط لوله و توده خردسنگ‌های حفاری مشخص شود. برچیدن فرایندی است که با مسدودکردن چاه آغاز می‌شود، سپس، شامل برداشتن فیزیکی سازه‌ها، دفع کردن قسمت‌های برچیده‌شده و اعاده محل عملیات نفتی به شرایط سابق فعالیت است (Orszulik, 2008, pp.195-196). هر یک از این مراحل به شیوه‌های خاص فنی انجام می‌گیرد که انتخاب شیوه مناسب برچیدن تابعی از عوامل گوناگون مانند ملاحظات اقتصادی، سیاسی، قابلیت فنی (Cameron 1999, p.121)، ایمنی و زیست‌محیطی (Saunders, 1996, p.227) است. مجموعه این عوامل سبب می‌شود برچیدن فرایندی دشوار و همه‌جانبه به نظر رسد. این دشواری با توقف تولید از میدان دوبرابر می‌شود؛ باید در شرایطی عملیات برچیدن را آغاز کرد که هیچ نفعی از میدان متصور نیست. عدم قطعیت و پیش‌بینی‌ناپذیری ابعاد مالی و زمانی برچیدن ممکن است دولت‌های میزبان و شرکت‌های بین‌المللی را به فراموشی و تعلل در وضع مقررات حقوقی خاص این مرحله بکشاند. بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نفتی مانند کشورهای حوزه دریای شمال و امریکای شمالی به این وضعیت واکنش نشان داده و علاوه بر تدوین چارچوب قانونی برچیدن، حقوق و تعهدات شرکای قرارداد نفتی در زمینه برچیدن را در متن قرارداد نیز یادآور شده‌اند (Cameron, 1990, p.47). در مقابل، کشورهای غنی و در عین حال کمتر توسعه‌یافته نفتی از جمله ایران، که هنوز بسیاری از آن‌ها به تجربه عملی در زمینه برچیدن دست نیافته‌اند، در وضع قوانین و مقررات مربوط به برچیدن تعلل کرده، و اساساً فرایند برچیدن را دور فرض می‌کنند. با توجه به افزایش فزاینده آگاهی‌ها و الزامات زیست‌محیطی در سطح بین‌المللی، شرکت‌های نفتی خارجی فقدان مقررات برچیدن را خطری برای سرمایه‌گذاری خود می‌دانند و ترجیح می‌دهند این کمبود را در قالب قراردادهای نفتی جبران کنند. متقابلاً، دولت‌های میزبان نیز برای ایفای تعهدات بین‌المللی خود ناگزیر از راهکار چارچوب قراردادی هستند. با وجود اهمیت

بررسی چارچوب قراردادی برچیدن، مقاله داخلی و خارجی اندکی به این موضوع پرداخته است و این می‌تواند به دلیل دشواری دسترسی به متن قراردادهای نفتی باشد. با این حال، مقاله حاضر بر آن است تا چارچوب قراردادی برچیدن را با تأکید بر قراردادهای مورد عمل در عمده کشورهای آسیایی و آفریقایی بررسی کند. این چارچوب شامل مفهوم برچیدن و تأسیسات، مسئولیت انجام دادن عملیات برچیدن، آغاز و چگونگی انجام دادن عملیات، خاتمه عملیات و مسئولیت پس از برچیدن، تأمین و تضمین مالی هزینه‌های برچیدن است که به ترتیب، در این مقاله بررسی می‌شود. در پایان، وضعیت حقوقی برچیدن در قراردادهای نفتی ایران بررسی می‌شود.

مفهوم برچیدن و تأسیسات

تعیین حقوق و تعهدات قراردادی طرفین در زمینه برچیدن منوط به درک درست مفهوم برچیدن تأسیسات نفتی است. چنین شناختی در گرو تعیین مفهوم تأسیسات و سپس خود فرایند برچیدن است. با توجه به تعریف بیان شده از سوی برخی سازمان‌ها مانند «بانک جهانی» (World Bank, 2010, p.2) و «انجمن راهبران فراساحلی انگلستان»^۱ و نیز با توجه به رویه عملی شرکت‌های بین‌المللی نفتی، برچیدن قسمتی از چرخه عملیاتی میدان است که در آن تولید و بهره‌برداری از میدان به پایان رسیده است و شامل مراحل ترک کردن چاه، برداشتن سازه‌ای، دفع کردن، و پاک‌سازی محل فعالیت می‌شود. همچنین، براساس رویه قانون‌گذاری کشورها و رویه عملی صنعت نفت، اقلامی مانند سکوها‌های نفتی، خطوط لوله، چاه‌ها، توده خردسنگ‌های حفاری موضوع برچیدن قرار می‌گیرند. با این توضیحات، مراد و مفهوم از تأسیسات و برچیدن در قراردادهای نفتی بررسی می‌شود.

در برخی نمونه‌های قراردادهای نفتی مانند مدل قرارداد مشارکت در تولید آذربایجان و نیجریه، آنگولا و آلبانی، ترینیداد و توباگو، و غنا و میانمار برچیدن تعریف نشده است. در قراردادهایی که

1. UK Offshore Operators Association

برچیدن یا ترک کردن تأسیسات تعریف شده است، تفاوت‌ها به‌طور عمده بر سر مراحل برچیدن و شیوه انجام دادن آن است. برای مثال، در مدل قرارداد مشارکت در تولید قبرس و تیمور شرقی، برچیدن، به مفهوم «ترک کردن، برچیدن، نقل و انتقال، برداشتن یا دفع سازه‌ها و تأسیسات و مرحله پاک‌سازی و ایمن کردن محل فعالیت و حفاظت از محیط زیست ناحیه قراردادی» است. (Cyprus and Timor-Leste Model Production Sharing Agreement, Clause 1.1) در این نمونه قراردادها، بستن چاه‌ها در تعریف مد نظر قرار نگرفته است. مدل قراردادی کشور سائوتومه و پرنسیپ هم دقیقاً همین نحوه بیان را به کار گرفته است، منتها تفاوتی که با دو مدل قبل دارد، الزام به انجام دادن همه این فعالیت‌ها براساس قانون نفت و سایر مقررات قابل اعمال است (Sao Tome and Principe Model Production Sharing Agreement, Clause 1.1). در نمونه مجوز بهره‌برداری کشور گامبیا، فعالیت‌های مرحله برچیدن به‌طور کلی تعریف شده است. بر این اساس، ترک کردن شامل همه فعالیت‌های مربوط به خاتمه همیشگی عملیات حفاری یک چاه، عملیات توسعه و تولید و جبران آثار ناشی از این عملیات بر محیط اطراف مطابق با بهترین رویه صنعت است و از جمله متضمن مسدود کردن چاه، برداشتن و پیاده کردن تجهیزات وابسته، اعاده محل فعالیت و سایر عملیات مورد نیاز به موجب قانون و صاحب امتیاز خواهد بود (Gambia Model Petroleum License, 2012, Clause 1.1). در مدل قرارداد مشارکت نیجریه با اینکه به همه مراحل برچیدن اشاره شده است، اما چگونگی انجام دادن آن تابع الزامات خاصی نیست. در این قرارداد، برچیدن به معنای مسدود کردن و ترک چاه، برداشتن و دفع کردن تجهیزات، نقل و انتقال و صادرات آن‌ها، اعاده محل عملیات و پرداخت هزینه‌های مربوط به آن است (Nigerian Production Sharing Contract, 2007, Clause 1.r).

مفهوم تأسیسات در فرایند برچیدن تأسیسات نفتی از وضعیتی به مراتب مبهم‌تر از تعریف برچیدن برخوردار است. زیرا در هیچ‌یک از مدل‌های قراردادی عنوان مجزایی را در بخش تعریف‌ها به خود اختصاص نداده است. بلکه در تعریف‌های مربوط به برچیدن یا سایر مقررات مربوط به آن، صرفاً به مصادیقی از تأسیسات به کاررفته در عملیات نفتی اشاره شده است. در مدل

قرارداد مشارکت بنگلادش، تأسیسات، تجهیزات، سازه‌ها، جزایر مصنوعی، چاه‌ها، تأسیسات سرچاهی و هر فقره دیگری که به عملیات نفتی مربوط می‌شود، موضوع برچیدن قرار گرفته‌اند (Bangladesh Model Production Sharing Contract, 2008, Clause 1.1). همان‌طور که پیداست خطوط لوله و توده خرده‌سنگ‌های حفاری از جمله مصادیق تصریح‌شده در این تعریف نیستند. هرچند می‌توان آن را مشمول «هر فقره دیگری که به عملیات نفتی مربوط می‌شود» قلمداد کرد.

مدل قرارداد تیمور شرقی و قبرس، نیز مضمونی مشابه قرارداد بنگلادش دارد؛ فقط به‌جای عبارت هر فقره دیگر، از عبارت «سایر اموال»^۱ استفاده شده است. عبارت سایر اموال در مدل قرارداد مشارکت کردستان و در طرح دولت کنیا برای مدل قرارداد مشارکت در تولید، جای خود را به کلمه «دارایی»^۲ داده است (Kurdistan Model of Production Sharing Contract, 2007, Clause 2; Kenya Model Production Sharing Contract, 2007, Clause 1). مدل قرارداد مشارکت نیجریه که در تعریف برچیدن تقریباً جامع می‌نماید، ضمن تعریف برچیدن، هم به تجهیزات و هم به خطوط لوله و چاه اشاره کرده، اما تکلیف توده خرده‌سنگ‌های حفاری را روشن نکرده است (Nigerian Production Sharing Contract, 2007, Clause 1.r).

در مجموع، می‌توان گفت تعریف برچیدن و تأسیسات یکی از ناقص‌ترین تعریف‌ها در قراردادهای نفتی است. تعریف‌های موجود در زمینه برچیدن به‌طور عمده در ذکر مراحل انجام‌دادن عملیات برچیدن آن هم نه همه مراحل آن خلاصه می‌شود و فقط در نمونه قرارداد کشور گامبیا به ماهیت فرایند برچیدن یعنی خاتمه همیشگی عملیات اکتشاف و تولید اشاره شده است. البته تعریف تأسیسات در این نمونه قراردادها نیز تعریف به مصداق است و به‌طور عمده، خطوط لوله در زمره مصادیق آن آورده نشده است.

-
1. Other property
 2. Assets

مسئولیت انجام دادن عملیات برچیدن

فرایند برچیدن در قالب مجموعه‌ای از فعالیت‌های فیزیکی انجام می‌گیرد که به‌ناچار باید شخصی مسئولیت آن را بر عهده گیرد. شخصی که به لحاظ حقوقی مسئولیت این فعالیت‌ها را بر عهده دارد، باید به تبع این مسئولیت منابع مالی مورد نیاز آن را تأمین و تضمین کند. به همین دلیل ضروری است مبنای این مسئولیت روشن شود. مالکیت تأسیسات، استفاده از تأسیسات و نیز مسئولیت برچیدن بر پایه قاعده توزیع مسئولیت، سه مبنایی‌اند که برای توجیه مسئولیت برچیدن مطرح است.

در بسیاری از قراردادهای نفتی قبل از انقلاب مانند «امتیازنامه داری»، «قرارداد امتیازی ۱۳۱۱»، «موافقت‌نامه تفحص، اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری نفت بین شرکت نفت ایران و شرکت ایتالیایی آجیپ مینراریا»، «موافقت‌نامه تفحص، اکتشاف، بهره‌برداری و فروش نفت بین شرکت نفت ایران و شرکت سهامی پان امریکن پترولیوم کورپوریشن» و «قرارداد شرکت نفت خلیج فارس»، موضوع برچیدن تأسیسات و ابعاد گوناگون آن هیچگاه مورد توجه نبوده است، اما مقرراتی درباره انتقال مالکیت تأسیسات به دولت میزبان وجود داشته است (Cameron, 1990, p.49)، و همین امر این پرسش را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا با این انتقال مالکیت، مسئولیت انجام دادن عملیات برچیدن هم به دولت میزبان منتقل می‌شود. در واقع، آیا مبنای مسئولیت برچیدن مالکیت تأسیسات است؟ افزون بر این، در برخی دیگر از قراردادهای نفتی در عنوان ماده‌ای که به برچیدن اختصاص دارد، به مالکیت تأسیسات نیز اشاره شده است. این نحوه نگارش نیز به نوعی می‌تواند تبعیت برچیدن تأسیسات از مالکیت آن‌ها باشیم، به نتیجه‌ای غیرمنصفانه می‌رسیم، در قراردادهایی مانند قرارداد فروش نفت و گاز و طرز اداره عملیات آن (موسوم به قرارداد کنسرسیوم) و نیز قرارداد مشارکت در تولید کشور آلبانی، به صراحت مالکیت تأسیسات پس از بازیافت هزینه‌های متعلق به آن‌ها، به دولت میزبان منتقل خواهد شد و در این مدت و در طول اعتبار قرارداد، شرکت بین‌المللی نفتی قادر خواهد بود بدون پرداخت هیچ‌گونه مابه‌ازایی از تأسیسات منتفع شود (قرارداد فروش نفت و گاز و طرز اداره عملیات مشروحه در آن، ۱۳۳۳، جزء (ب) ماده ۶ Albania Model

(production; sharing contract, 2008, Clause 23.3). عدم بازپرداخت هزینه‌های انتفاع از تأسیسات به منزله سود ناروای پیمان کار نفتی است، زیرا پیمان کار نه فقط هزینه‌های مربوط به انتقال مالکیت این تأسیسات را دریافت کرده است، بلکه در طول قرارداد از تأسیسات برای سودآوری و انتفاع خود نیز بهره برده است، بی آنکه هزینه این انتفاع را بپردازد. مشابه همین ادعا نسبت به دولت میزبان نیز قابل طرح است؛ در بسیاری از موارد، دولت میزبان تأسیسات ایجاد شده به وسیله پیمانکار را در همان میدان یا در میدان‌های دیگری مورد استفاده مجدد قرار می‌دهد یا در اثنای قراردادهای مشارکت در تولید یا قراردادهای امتیازی تصدی و کنترل عملیات نفتی را از پیمانکار گرفته است و خود اقدام به تولید و بهره‌برداری نفت با استفاده از این تأسیسات می‌کند. این قبیل اقدامات موجب می‌شود جریان انتفاع از تأسیسات به سمت دولت میزبان گردش کند و تحمیل هزینه‌های برچیدن بر پیمانکار به سود ناروای دولت میزبان منجر می‌شود (Libya Model Production Sharing Agreement, 2006, Clause 28.6).

جلوگیری از سود ناروای طرفین، دیدگاه استفاده از تأسیسات را به عنوان مبنایی برای توجیه مسئولیت انجام دادن عملیات برچیدن مطرح می‌کند. براساس این دیدگاه، طرفی که از تأسیسات نفتی برای افزایش سودآوری خود استفاده می‌کند، مسئولیت برچیدن آن‌ها را نیز برعهده دارد. مدل‌های کنونی قراردادی مانند قرارداد مشارکت در تولید آذربایجان، کنیا، کامرون، پاکستان، گینه، لیبیا و تانزانیا براساس این دیدگاه تدوین یافته‌اند.

مسئولیت انجام دادن عملیات برچیدن بر پایه قاعده توزیع مسئولیت نیز مبنای توجیه‌کننده مسئولیت در قراردادهای بهره‌برداری مشترک است. براساس این قاعده، هر یک از شرکای قرارداد بهره‌برداری مشترک به نسبت سهم خود در قرارداد در مقابل هزینه‌های برچیدن مسئولیت دارند. در واقع، این مبنای جداگانه برای مسئولیت تلقی نمی‌شود و تنها به نحوه توزیع مسئولیت بین شرکت‌هایی توجه می‌کند که به طور مشترک یک میدان نفتی را توسعه داده و مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند. در مجموع، می‌توان گفت توجیه مبنای مسئولیت انجام دادن عملیات برچیدن بر پایه دیدگاه انتفاع از تأسیسات در نمونه قراردادهای جدید نفتی در حال افزایش است و استفاده از این دیدگاه و نیز قاعده توزیع مسئولیت موجب می‌شود فضای قراردادی متعادل‌تر شود.

آغاز و چگونگی انجام دادن عملیات برچیدن

پس از خاتمه فعالیت‌های نفتی به‌ناچار باید عملیات برچیدن آغاز شود. گستردگی دامنه عملیات برچیدن و پرهزینه‌بودن آن، برنامه‌ریزی مناسب برای آغاز و چگونگی عملیات برچیدن را تقاضا دارد. این امر معمولاً از طریق تهیه و تصویب برنامه عملیات برچیدن انجام می‌گیرد. در غالب نمونه‌های قراردادهای نفتی، شرکت بین‌المللی نفتی (پیمانکار) باید قبل از خاتمه عملیات تولید برنامه برچیدن را تهیه کند و به مقامات دولت میزبان تحویل دهد. اگر تسلیم برنامه برچیدن زمان داشته باشد، آغاز عملیات برچیدن شفافیت بیشتری خواهد داشت. برای مثال در مدل قرارداد مشارکت در تولید پاکستان، ۷ سال پیش از تاریخ برآورد شده برای خاتمه عملیات تولید یا پس از اینکه میزان نفت در جای موجود در مخزن به ۵۰ درصد رسید، برنامه برچیدن باید تسلیم شود (Pakistan Model Production Sharing Agreement, 2001, Clause 7.11). مدل قرارداد مشارکت در تولید کشور ترینیداد و توباگو مدت زمان مجاز برای تسلیم برنامه برچیدن حداکثر ۵ سال قبل از تاریخ منقضی شدن قرارداد یا توقف عملیات تولیدی میدان و خطوط لوله مطابق با برآورد پیمانکار - هر یک زودتر محقق شود - تعیین شده است. البته این مدل قراردادی به این حد اکتفا نکرده است و برای شروع عملیات اجرایی پس از اینکه برنامه برچیدن به تصویب رسید نیز مدت زمان مشخصی را در نظر گرفته است. بر این اساس، پیمانکار موظف است ظرف ۶۰ روز از خاتمه تولید یا تقلیل ناحیه قراردادی برنامه مصوب برچیدن را عملی کند (Trinidad Model Production Sharing Agreement, 2006, Clause 37.1).

با وجود اهمیت تعیین بازه زمانی برای تسلیم برنامه برچیدن، در برخی نمونه‌های قراردادی مانند مشارکت در تولید کامرون، تیمور شرقی و خرید خدمات فنی عراق به این مدت زمان اشاره‌ای نشده است (Cameroon model production sharing contract, 2015, Clause 21.2; Timor- Leste Model Production Sharing Contract, 2007, Clause 4.14; Iraq Technical Service Contract for Oil Field, 2009, Clause 42.2).

از این فراتر، در مدل قرارداد مشارکت در تولید ماداگاسکار دولت میزبان می‌تواند براساس قانون حاکم پیمانکار را از تهیه و تسلیم برنامه برچیدن معاف کند (Madagascar Model

34.1 (Production Sharing Agreement, 2006, Clause 34.1)، بدون اینکه جایگزینی برای آن در نظر بگیرد. چنین مقرره‌ای می‌تواند بر آغاز و انجام دادن عملیات برچیدن تأثیر منفی بگذارد. گذشته از تأسیسات و تجهیزات نفتی، در برخی قراردادهای نفتی مقرراتی دربارهٔ مسدود کردن و ترک کردن چاه به چشم می‌خورد. به موجب مدل قرارداد مشارکت اتیوپی و نیز افغانستان پیمانکار نباید جز در مواقعی که ایمنی و سلامت موجودات زنده در معرض خطر است، یا خطر آسیب جدی به محیط زیست یا زیان قابل توجه اقتصادی وجود دارد یک چاه را ترک کند (Afghanistan Model Exploration and Production Sharing Contract, 2011, Clause 5.6.g;)

31.1 (Ethiopia Model Production Sharing Agreement, 2011, Clause 31.1)، اما دربارهٔ زمان آغاز عملیات ترک کردن ساکت است. در مدل قراردادی کشور جمهوری سیشل، پیمانکار بدون موافقت قبلی و کتبی دولت میزبان اجازهٔ ترک کردن چاه را ندارد، اما درخواست ترک کردن هر چاه را باید به‌طور منظم، آن‌طور که در بهترین رویهٔ صنعت بین‌المللی نفت مقرر شده است، به وزارت نفت تسلیم کند (Seychelles Model Production Sharing Agreement, 2013, Clause 28.1). در واقع، اشاره به معیار مبهمی مانند بهترین رویهٔ صنعت بین‌المللی نفت با عدم تعیین مدت توفیر زیادی ندارد. در مدل قرارداد مشارکت کشور موریتانی به این موافقت قبلی نیاز نیست و پیمانکار فقط موظف است ۷۲ ساعت قبل از آغاز عملیات ترک کردن چاه (دربارهٔ چاه‌های تولیدی حداکثر تا ۳۰ روز) مراتب را به دولت میزبان اطلاع دهد (Mauritania Model Production Sharing Agreement, 1994, Clause 8.2).

به‌طور خلاصه، برای اینکه عملیات برچیدن به‌طور دقیق و حساب‌شده پیش رود باید زمان آغاز این عملیات مشخص شود. در برخی نمونه‌های قراردادهای نفتی، زمان آغاز عملیات در برنامهٔ برچیدن مشخص می‌شود اما باید توجه کرد اگر زمان تسلیم برنامهٔ برچیدن و بازهٔ زمانی مجاز برای اجرایی کردن چنین برنامه‌ای در متن قرارداد مشخص نشود، باز هم زمان آغاز چنین عملیاتی مبهم باقی می‌ماند. از میان نمونه‌های ارائه‌شده فقط مدل قراردادی کشور ترینیداد و توباگو بازهٔ زمانی تسلیم و اجرایی کردن برنامهٔ برچیدن را مورد توجه قرار داده است.

در هر صورت، با تصمیم به آغاز انجام دادن عملیات برچیدن، علی‌الاصول، طرف مسئول باید این فرایند را براساس یک سری ضوابط انجام دهد. به‌طور کلی عملیات برچیدن براساس برنامه برچیدن یا ترک کردن، رویه موجود در صنعت نفت، قانون ملی یا به‌طور ترکیبی از عوامل یادشده انجام می‌گیرد. در رویه قراردادی کشورهایمانند نامیبیا، اوگاندا، عراق و کامرون، پیمانکار موظف است عملیات برچیدن را مطابق با مندرجات برنامه برچیدن انجام دهد (Namibia Petroleum Agreement, 2007, Clause 11.16.a; Uganda Model Production Sharing Agreement, 1999, Clause 22.17.a; Iraq Technical Service Contract for Oil Field, 2009, Clause 42.1; Cameroon Model Production Sharing, 2015, Clause 21.2). اما در برخی دیگر از قراردادها، انجام دادن عملیات برچیدن براساس رویه موجود در صنعت نفت مورد توجه قرار گرفته است که معیار مبهمی است. در مدل قرارداد مشارکت ۱۹۹۷ کشور بیان شده است: «در پایان قرارداد، راهبر طرح باید برای اعاده محل فعالیت - جایی که عملیات نفتی، از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قرارداد، در آنجا به همان صورت اصلی و طبیعی خود انجام می‌گرفته است - اقداماتی را براساس روش‌های شایسته صنعت نفت با در نظر گرفتن اصول و قواعد آیین ترک کردن انجام دهد» (Tienhaara, 2010, p.15). «روش خوب صنعت نفت» و «رویه‌های عموماً پذیرفته شده بین‌المللی» معیار انجام دادن عملیات برچیدن است که در دیگر نمونه‌های قراردادی مانند مشارکت در تولید اتیوپی، افغانستان، سیشل، نامیبیا، غنا و آذربایجان نیز قید شده است اما در هیچ‌یک از این قراردادها از آن‌ها تعریف روشنی بیان نشده است (Ethiopia Model Production Sharing Agreement, 2011, Clause 3.3.6; Afghanistan Model Exploration and Production Sharing Contract, 2011, Clause 7.1.ii.j; Seychelles Model Production Sharing Agreement, 2013, Clause 28.3; Namibia Model Production Agreement, 2007, Clause 11.16.c; Ghana Model Petroleum Agreement, 2000, Clause 17.3; Azerbaijan Agreement on the Exploration Development and Production Sharing, 1996, Clause 14.1.d).

در برخی قراردادهای دیگر، انجام دادن عملیات برچیدن مطابق با ضوابط قانون ملی دولت میزبان مطرح شده است. براساس نمونه قراردادهای مشارکت در تولید کشور گینه و آنگولا همه فعالیت‌های برچیدن باید براساس قانون نفت انجام گیرد (Guinea Model Production Sharing Contract, 2000, Clause (24.1.2); Angola Model Production Sharing Agreement, 2008, Clause 28.2). در برخی قراردادهای نفتی معیار ترکیبی به‌کار گرفته شده است. منظور از معیار

ترکیبی این است که رویه مورد عمل برای انجام دادن عملیات برچیدن مجموع دو یا چند معیار از معیارهای پیش تر بیان شده یا دیگر معیارها است. در قراردادهای نفتی این دیدگاه از سایر دیدگاه‌ها شایع تر است. برای نمونه، در مدل قرارداد مشارکت برونئی، «همه فعالیت‌های مربوط به استرداد محل عملیات باید براساس شیوه شایسته میادین نفتی، برنامه کاری و بودجه مصوب، برنامه ترک کردن و قانون حاکم انجام گیرد» (Brunei Production Sharing Agreement, 2006, Clause 27.5.c). نمونه دیگر، مدل قرارداد امتیاز کشور برزیل است. براساس این مدل، عملیات غیرفعال کردن و ترک کردن چاه‌ها، سازه‌ها و خطوط لوله انتقال باید براساس قانون حاکم (قانون برزیل) و بهترین رویه صنعت نفت و ماده ۲۱ این قرارداد انجام گیرد. ماده ۲۱ این قرارداد، دارنده امتیاز را مکلف به انجام دادن پاره‌ای الزامات زیست محیطی در هنگام انجام دادن عملیات ترک کردن و برداشتن کرده است. منتها، معیار عمل در چنین فرایندهایی، ابتدا قانون برزیل است و در صورت فقدان یا سکوت قانون، باید از بهترین رویه صنعت نفت در این زمینه پیروی کرد (Brazil Model Concession Agreement, 1997, Clause 21.1).

خاتمه عملیات و مسئولیت پس از برچیدن

در برنامه برچیدن مؤثر و روشمند نه فقط زمان آغاز عملیات برچیدن بلکه پایان آن نیز مشخص می‌شود. این زمان علی‌الاصول در برنامه برچیدن مشخص می‌شود. از جمله مندرجات الزامی برنامه برچیدن در مدل قرارداد امتیازی موزامبیک و مدل قرارداد مشارکت در تولید ماداگاسکار، تعیین مدت زمان مورد نیاز برای اتمام فرایند برچیدن است (Mozambique Model Concession Agreement, 2006, Clause 15.1.b; Madagascar Model Production Sharing Agreement, 2006, Clause 34.3.ii). با این حال، خاتمه عملیات برچیدن به معنای پایان مسئولیت متصدی انجام دادن این فرایند نیست. از این به بعد، نوع دیگری از مسئولیت با عنوان مسئولیت پس از برچیدن آغاز می‌شود. مسئولیت پس از برچیدن، هر نوع مسئولیت حقوقی ناشی از پسماندهای برجای مانده در محل عملیات است (Dumbuya, 2010, p.2). این مسئولیت به طور تمثیلی، شامل مواردی مانند حفظ و نگهداری تأسیسات، مسئولیت در مقابل اشخاص ثالث، خسارات زیست محیطی و رعایت

قوانین و مقررات آتی می‌شود (Chatterjee, 2011, p.4). در هیچ‌یک از قراردادهای بررسی‌شده، بند یا ماده‌ای به مسئولیت پس از برچیدن اختصاص داده نشده است. در قرارداد مشارکت در تولید لیبریا با یک شرکت کانادایی با اینکه به صراحت به امکان برجای گذاشتن محلی تأسیسات اشاره شده است، اما به جز تکلیف شرکت ملی نفت در اخذ مجوزهای مربوطه، مقررات مشخصی درباره مسئولیت حقوقی ناشی از این پسماندها وجود ندارد (Liberia Model Production Sharing Agreement, 2013, Clause 6.10.e). در مقابل، در برخی دیگر از مدل‌های قراردادی مانند مدل قرارداد مشارکت در تولید بنگلادش و مدل قرارداد امتیازی برزیل بیان به نسبت روشنی از مسئولیت پس از برچیدن دیده می‌شود. در مدل قراردادی بنگلادش، در بند ۲ ماده ۳۴ با عنوان «تعهدات پیمانکاران»، مسئولیت پس از برچیدن این گونه بیان شده است: «پیمانکار به موجب قانون، بعد از پایان مدت این قرارداد مسئول هر گونه خسارت، دعوا و هزینه‌ای خواهد بود که از تجهیزات نفتی ناشی می‌شود که سبب آن در طول مدت این قرارداد به وجود آمده و به سوءرفتار عمدی یا غفلت و بی‌مبالاتی پیمانکار منتسب است (Bangladesh Model Production Sharing Contract, 2008, Clause 34.2.1). البته در قسمت تعریف‌ها، سوءرفتار عمدی یا بی‌مبالاتی تعریف نشده است. اما در مدل قرارداد بروئی، سوءرفتار عمدی یا بی‌مبالاتی به هرگونه فعل یا ترک فعلی اطلاق شده است که شخص درباره آن قصد داشت یا نسبت به آثار زیان‌باری که ممکن است فعل یا ترک فعل وی روی ایمنی یا اموال هر شخص حقیقی یا حقوقی داشته، آگاهی داشته یا باید آگاهی می‌داشته، بی‌توجه بوده است (Brunei Production Sharing Agreement, 2006, Clause 1.1). در مدل قرارداد امتیاز کشور برزیل نیز درباره مسئولیت مضمونی مشابه مدل قراردادی کشور بنگلادش وجود دارد، منتها با بیانی شفاف‌تر. در این مدل، دارنده امتیاز درباره هرگونه خسارتی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از عملیات واگذاری یا برداشتن به محیط زیست یا اشخاص ثالث وارد می‌شود، به‌طور کامل مسئول تلقی شده است و باید هزینه هرگونه دادخواهی، دعاوی مطروحه نزد دادگاه، داوری، بازرسی، ممیزی و اختلافات از هر نوع و همچنین، هر گونه غرامت و جریمه پرداختی از سوی دولت و آژانس ملی نفت را که به چنین خسارات و زیان‌هایی مربوط

می‌شود، پردازد (Brazil Model Concession Agreement, 1997, Clause 21.5). در این دو مدل فقط بر روی یک بعد از مسئولیت پس از برچیدن و آن هم مسئولیت ناشی از خسارات تأکید شده است.

به‌طور خلاصه، مسئولیت پس از برچیدن که همراه با برداشتن جزئی تأسیسات مطرح می‌شود، به نحو بارزی در قراردادهای نفتی نادیده گرفته شده است و معدود قراردادهایی نیز که به این موضوع پرداخته‌اند، دربارهٔ تأمین و تضمین مالی هزینه‌های پس از برچیدن ساکت‌اند.

تأمین و تضمین مالی هزینه‌های برچیدن

تأمین منابع مالی برای برچیدن سازه‌ها و تأسیسات نفتی و تضمین آن از جمله مباحث مهم عملیات برچیدن است که این دو به ترتیب، در این قسمت بررسی می‌شوند.

تأمین مالی هزینه‌های برچیدن

روش معمول در تأمین منابع مالی لازم برای عملیات برچیدن به‌کارگیری صندوق برچیدن است. وقتی صندوقی برای تأمین منابع برچیدن تعیین می‌شود، این پرسش مطرح می‌شود که چه کسی وظیفهٔ تأمین مالی این صندوق را بر عهده دارد و نحوهٔ عملکرد و ادارهٔ این صندوق به چه صورت است. اصولاً وظیفهٔ تأمین مالی هزینه‌های برچیدن تابعی از مسئولیت انجام‌دادن این عملیات است، اگر پیمانکار مسئولیت انجام‌دادن عملیات برچیدن را به عهده دارد، خود او هم باید از عهدهٔ تأمین هزینه‌های آن برآید. البته این وظیفهٔ منافات با این ندارد که هزینه‌های پرداختی از سوی پیمانکار با عنوان هزینه‌های نفتی باز یافت شود. در مقابل، اگر دولت میزبان مسئولیت انجام‌دادن عملیات برچیدن را بر عهده داشته باشد - همان‌طور که در طرح قرارداد مشارکت دولت کنیا بیان شده است - همراه با واگذاری تأسیسات به دولت میزبان برای استفادهٔ مجدد در عملیات نفتی، تأمین مالی نیز به دولت میزبان منتقل می‌شود (Kenya Model Production Sharing Contract, 2007, Clause 17.1.6.b).

با این وجود، در مدل قرارداد مشارکت کشور لیبی به‌منظور ایجاد انگیزه برای پیمانکار در

تأمین نقدینگی صندوق برچیدن، هر یک از دولت میزبان و پیمانکار موظفند نیمی از نقدینگی صندوق را تأمین کنند (Liberia Model Production Agreement, 2013, Clause 26.2). در واقع، دولت در این تأمین مالی مشارکت می‌کند.

صندوق باید در زمان مناسبی ایجاد و آغاز به کار کند. عموماً در قراردادهای نفتی زمان تأسیس صندوق برچیدن با تولید از میدان گره خورده است. در مدل قرارداد مشارکت در تولید تانزانیا، ظرف ۲ سال از آغاز تولید تجاری از میدان باید دولت، پیمانکار و شرکت ملی نفت برای ایجاد صندوق برچیدن قراردادی را بین خود ترتیب دهند (Tanzania Model Production Sharing Agreement, 2004, Clause 21). آغاز سپردن سهام صندوق برچیدن در مدل قرارداد مشارکت در تولید آذربایجان پس از بازیافت ۷۰ درصد نفت موجود در مخزن است (Azerbaijan Agreement on the Exploration, Development and Production Sharing, 1996, Clause 14.2.b). در برخی قراردادهای مانند مدل قرارداد مشارکت لیبریا و ماداگاسکار دو معیار هم‌عرض به‌کار گرفته شده است. معیار اول، ظرف ۶ سال پیش از خاتمه تولید یا ظرف ۵ سال پیش از خاتمه تولید است. معیار دوم نیز در هر دو قرارداد رسیدن به نقطه ۵۰ درصدی بازیافت از مخزن است (Liberia Model Production Sharing Agreement, 2013, Clause 20.1; Madagascar Model Production Sharing Agreement, 2006, Clause 34.9). برخلاف این مدل‌های قراردادی، در برخی رویه‌های قراردادی زمان ایجاد صندوق برچیدن کمی مبهم و کلی است. برای مثال، به موجب مدل قرارداد مشارکت کردستان عراق، پیمانکار ظرف ۱۰ سال آخر پروژه -هر زمان که مایل بود- می‌تواند صندوق برچیدن ایجاد کند (Kurdistan Mode of Production Sharing Contract, 2007, Clause 38.1). یا در مدل قرارداد خرید خدمات فنی عراق ایجاد این صندوق به دستور شرکت ملی نفت عراق بستگی دارد (Iraq Technical Service Contract for Oil Field, 2009, Clause 42.2). در مدل قرارداد مشارکت در تولید میانمار هم پیمانکار موظف است در پایان عملیات تولید، صندوق برچیدن را ایجاد کند (Myanmar Model Production Sharing Contract, 2013, Clause 7.4).

با قرارگرفتن در نقطه شروع تودیع سهام صندوق، کل سهام مورد نیاز این صندوق براساس هزینه‌های برآورده‌شده برچیدن، باید به‌طور دوره‌ای و در قالب مبلغی مشخصی واریز شود. دوره

پرداخت هر قسط صندوق برچیدن علی‌الاصول به‌طور سالانه (مدل قرارداد مشارکت کشور هند Bangladesh) (India Model Production Sharing Contract, 2009, Clause 14.10)، بنگلادش (Libya Model Production) و لیبی (Model Production Sharing Contract, 2008, Clause 34.4.2)، و لیبی (Brunei) (Sharing Agreement, 2006, Clause 26.6)، ماهانه، مدل قرارداد کشور برونی (Production Sharing Agreement, 2006, Clause 27.6.b) یا هر سه‌ماهه، مدل قرارداد مشارکت در تولید آذربایجان (Azerbaijan Agreement on the Exploration, Development and Production) (Sharing, 1996, Clause 24.2.c) است. میزان مبلغ قابل پرداخت در هر قسط نیز عموماً از طریق فرمول‌های محاسباتی تعیین می‌شود. برای مثال، در مدل قرارداد مشارکت در تولید آذربایجان، میزان سهمی که به‌طور سه‌ماهه باید پرداخت شود، از فرمول زیر به‌دست می‌آید:

«مجموع هزینه‌های برآوردشده برای عملیات برچیدن/ باقیمانده مخازن نفتی قابل بازیافت از زمان تأسیس صندوق برچیدن) × تولید انباشته نفت از زمان تأسیس این صندوق/ مجموع تولید از سه‌ماهه تأسیس تا سه‌ماهه مورد نظر» - تراز صندوق برچیدن در پایان سه‌ماهه گذشته (Azerbaijan Agreement on the Exploration Development and Production Sharing, 1996,) (Clause 12.2.c).

در مدل قراردادی ترینیداد و توباگو میزان مبلغ قابل پرداخت در هر قسط برچیدن لزوماً از طریق فرمول محاسباتی مشخص نمی‌شود. براساس این مدل قراردادی، پیمانکار موظف است به ازای هر بشکه نفت تولیدی ۲۵ سنت به حساب برچیدن تودیع کند (Trinidad Model Production) (Sharing Agreement, 2006, Clause 37.3).

با وجود اهمیت زمان و مبلغ قابل پرداخت در هر قسط برچیدن، اما باز هم در برخی نمونه‌های قراردادهای نفتی مواردی از ابهام و کلی‌گویی دیده می‌شود. برای مثال، مدل قرارداد مشارکت ماداگاسکار فقط شرکای نفتی را ملزم کرده است سهام این صندوق را به‌طور دوره‌ای تودیع کنند، بدون آنکه جزئیات بیشتری بیان شود (Madagascar Model Production Sharing) (Agreement, 2006, Clause 34.8). مدل قرارداد مشارکت کردستان عراق و قرارداد خرید خدمات

فنی عراق نیز زمان پرداخت هر قسط و مبلغ قابل پرداخت به شرکت بین‌المللی نفتی واگذار شده است. با این بیان، که «پیمانکار باید پس از ایجاد صندوق، سهام آن را به صورت منظم پرداخت کند» (Iraq Technical Service Contract for Oil Field, 2009, Clause 42.2; Kurdistan Model Production Sharing Agreement, 2007, Clause 38.1). به نظر می‌رسد مفاد قرارداد مشارکت کشور نیجریه کمی روشن‌تر باشد. در این قرارداد، نرخ و زمان پرداخت سهام صندوق توسط کمیته مشترک مدیریت تعیین می‌شود. البته در برخی قراردادهای نفتی مانند مجوز بهره‌برداری سیرالئون یا مدل قراردادی نامیبیا، به‌طور کلی و برای حفظ جامعیت یا پرهیز از اطناب، تودیع سهام صندوق برچیدن تابع ترتیبات مقرر در برنامه برچیدن یا مقررات قانون نفت است (Sierra Leone Model Form Petroleum License, 2012, Clause 18.5; Namibia Model Production Sharing Agreement, 2007, Clause 11).

در هر مورد که پیمانکار باید مبالغ مربوط به برچیدن را تودیع کند، ضروری است از قبل مشخص شده‌باشد که این حساب یا صندوق به نام چه کسی و نزد چه بانک یا مؤسسه‌ای افتتاح شود. در اکثر مدل‌های قراردادی مانند مدل قرارداد مشارکت آذربایجان، تانزانیا، پاکستان، کنیا و نیجریه این حساب به نام مشترک طرفین و در بانک مورد توافق طرفین افتتاح می‌شود (Azerbaijan Agreement on the Exploration, Development and Production Sharing, 1996, Clause 12.2.a; Tanzania Model Production Sharing Agreement, 2013, Clause 22.o; Pakistan Model Production Sharing Agreement, 2001, Clause 7.12; Kenya Model Production Sharing Contract, 2007, Clause 17.5.2; Nigerian Production Sharing Contract, 2007, Clause 12.7). با این حال، در مدل قرارداد ترینیداد و توباگو این حساب فقط به نام وزارت نفت و در بانک مورد توافق او بازگشایی می‌شود (Trinidad Model Production Sharing Agreement, 2006, Clause 37.2). پس از اینکه مبالغ مورد نظر به حساب یا صندوق برچیدن واریز شدند، باید دقت کرد که مبالغ این حساب فقط برای انجام‌دادن عملیات برچیدن به مصرف خواهند رسید. چنین شرطی به عنوان شرطی امری در قریب به اتفاق مدل‌های قراردادی (سائوتومه و پرنسپ، لیبیا، کامرون، موزامبیک و جز آن) اشاره شده است (Sao Tome and Principe Model Production Sharing Agreement, 2013, Clause 13.8; Liberia Model Production Sharing Agreement, 2013, Clause 20.1; Cameroon Model Production Sharing Contract, 2015, Clause 21.2.2.ii).

(Mozambique Model Concession Agreement, 2006, Clause 15.7). کسری و مازاد بودجه از دیگر مشترکات مدل‌های قراردادی است. در فرض کسری بودجه، در برخی مدل‌های قراردادی مانند مدل مجوز بهره‌برداری سیرالئون، قرارداد امتیازی موزامبیک، ترینیداد و توباگو، آلبانی، لیبریا و ماداگاسکار وظیفه جبران کسری با پیمانکار و در قالب هزینه‌های نفتی قابل بازیافت است (Sierra Leone Model Form Petroleum License, 2012, Clause 18.6; Mozambique Model Concession Agreement, 2006, Clause 15.11; Trinidad Model Production Sharing Agreement, 2006, Clause 37.8; Liberia Model Production Sharing Agreement, 2013, Clause 20.1; Madagascar Model Production Sharing Agreement, 2006, Clause 34.14). در مقابل، در مدل قرارداد مشارکت آذربایجان پیمانکار تکلیفی در زمینه جبران کسری ندارد و باید ادامه عملیات ترک کردن را متوقف کند. در عین حال، هیچ وظیفه‌ای در قبال باقیمانده اموال غیرمنقول نیز ندارد. منتها، باید این اموال را در شرایطی ایمن رها کند و این رهاکردن خود جزئی از عملیات ترک کردن محسوب می‌شود (Azerbaijan Agreement on the Exploration, Development and Production Sharing, 1996, Clause 14.2.e). مدل قرارداد مشارکت در تولید کردستان درباره کسری بودجه راه‌حل کاملاً متفاوتی را در پیش گرفته است. براساس این قرارداد، در صورت کسری بودجه، میزان کسرآمده باید توسط پیمانکار تأمین شود و معادل آن به‌عنوان هزینه‌های نفتی از محل سایر نواحی تولیدی این قرارداد یا در صورت امکان، از نواحی دیگری، تحت قرارداد نفتی دیگری که پیمانکار یا هر گونه شرکت وابسته آن طرف قرارداد هستند، قابل بازیافت خواهند بود (Kurdistan Model of Production Sharing Contract, 2007, Clause 38.4). در مدل قرارداد مشارکت در تولید آنگولا این کسری باید به شیوه مورد توافق میان پیمانکار و شرکت ملی نفت تأمین شود (Angola Model Production Sharing Agreement, 2008, Clause 28.1.4). درباره مازاد بودجه، به‌طور کلی دو راهکار به چشم می‌خورد؛ یا این مبالغ مازاد میان طرفین به نسبت مشخص تقسیم می‌شود یا همه مبالغ مازاد به دولت میزبان اختصاص می‌یابد. مدل قرارداد مشارکت تانزانیا ۲۰۰۴، سائوتومه و پرنسپ، گینه، آذربایجان، ماداگاسکار، قرارداد امتیازی موزامبیک، مجوز بهره‌برداری سیرالئون از راهکار اول پیروی می‌کنند (Tanzania Model Production Sharing Agreement, 2004, Clause 22.v; Sao Tome and Principe Model

Production Sharing Agreement, 2013, Clause 13.10; Guinea Model Production Sharing, 2000, Clause 24.3.2; Azerbaijan Agreement on the Exploration, Development and Production Sharing, 1996, Clause 14.2.h; Madagascar Model Production Sharing Agreement, 2006, Clause 34.15; Mozambique Model Concession Agreement, 2006, Clause 15.10; Sierra Leone Model Form Petroleum License, 2012, Clause 18.6. مدل قراردادهای

مشارکت بروئتی، تانزانیا ۲۰۱۳ و لیبریا نیز نمونه‌هایی از راهکار دوم هستند (Tanzania Model Production Sharing Agreement, 2013, Clause 22.o.v; Liberia Model Production Sharing, 2013, Clause 20.1). در واقع، تمایل قراردادهای نفتی بیشتر به سمت تقسیم و مشارکت در مازاد بودجه صندوق است.

در مجموع، می‌توان گفت بیشترین قسمت مقررات برچیدن در قراردادهای نفتی درباره نظام مالی برچیدن است. این مقررات درباره سازوکار مربوط به تشکیل و اداره صندوق برچیدن است. موضوعاتی مانند طرف مسئول تأمین نقدینگی صندوق، زمان‌بندی تودیع سهم‌الشرکه صندوق، میزان مبلغ قابل پرداخت در هر دوره، ضوابط اختصاصی حساب برچیدن، مازاد و کسری بودجه، چارچوب صندوق برچیدن را در قراردادهای نفتی تشکیل می‌دهند. با وجود این مقررات به نسبت جامع درباره صندوق برچیدن، این پرسش به ذهن می‌رسد که اگر پیمانکار از تودیع سهام به صندوق برچیدن امتناع کند، چه ضمانت اجرایی در انتظار اوست؟ ضمانت اجرای عدم تودیع سهام در کمتر قراردادی مورد توجه قرار گرفته است. فقط نمونه شایان ذکر، مدل قرارداد مشارکت بنگلادش است. در این مدل قراردادی عدم پرداخت اقساط صندوق برچیدن ضمانت اجرای شدید فسخ قرارداد را به همراه خواهد داشت.

تضمین مالی هزینه‌های برچیدن

ارائه تضمین مالی در مقابل هزینه‌های برچیدن، در فرض اعسار و ناتوانی طرف مسئول از پرداخت هزینه‌های برچیدن اهمیت بیشتری می‌یابد. برای اطمینان از در دسترس بودن منابع مالی کافی برای انجام دادن عملیات برچیدن، در قراردادهای نفتی نیز ابزارهای تضمینی به کار گرفته شده است. در اکثر قراردادهای مشارکت بررسی شده، شکل غالب برای تضمین استفاده از صندوق برچیدن است و بعضاً در نمونه قراردادهایی مانند تیمور شرقی، نیجریه و برزیل به سایر ابزارهای تضمینی نیز

اشاره شده است. در مدل قرارداد تیمور شرقی، میان دولت و پیمانکار یک قرارداد تضمین برچیدن بسته می‌شود که به موجب آن، پیمانکار موظف است یکی از اشکال تضمین را به وزارت مربوطه تسلیم کند. اشکال تضمین عبارت‌اند از اسناد اعتباری تضمینی صادره از بانک، ضمانت‌نامه شرکت مادر، ضمانت‌نامه قابل پرداخت به محض رؤیت، صادره از یک مؤسسه تضمینی و سایر تضمین‌های مالی که برای وزارت مربوطه پذیرفتنی باشد و توسط بانک یا سایر مؤسسات تضمینی قابل قبول برای وزارت مربوطه صادر شده باشند. این بانک یا مؤسسه تضمینی باید درجه اعتبار کافی برای پرداخت همه تعهدات مالی خود تحت هرگونه شرایط معقول را داشته باشد (Timor Leste Model Production Sharing Contract, 2007, Clause 4.15.a). در این قرارداد، اشاره‌ای به صندوق برچیدن به‌عنوان یکی از ابزارهای تأمین و تضمین مالی نشده است. در مدل قرارداد نیجریه، پیمانکار می‌تواند با موافقت قبلی شرکت ملی نفت تضمینی به شکل اسناد اعتباری تضمینی و یا ضمانت‌نامه بانکی یا ضمانت‌نامه شرکت مادر ارائه دهد، یا اینکه اقدام به تأمین و تضمین مالی از طریق صندوق برچیدن کند (Nigeria Production Sharing Contract, 2007, Clause 12.7). مدل قرارداد امتیاز کشور برزیل، مبحثی را به تضمین‌های مربوط به ترک‌کردن و غیرفعال کردن اختصاص داده است. بر این اساس، بنا بر درخواست آژانس ملی نفت، دارنده امتیاز باید تضمین مربوط به ترک‌کردن و غیرفعال کردن را به اشکالی مانند بیمه، اسناد اعتباری، صندوق سپرده یا سایر اشکال مورد قبول آژانس ملی نفت تسلیم کند. در واقع، در این مدل نیز مانند نیجریه صندوق سپرده کارکرد تضمینی دارد. ارزش این ضمانت، پیرو بازبینی‌های انجام‌گرفته در برنامه توسعه میدان که بر هزینه عملیات ترک‌کردن و غیرفعال کردن تأثیر خواهد گذاشت، بازبینی خواهد شد. ارائه این ضمانت، دارنده امتیاز را از انجام دادن همه اقدامات ضروری برای ترک‌کردن و غیرفعال کردن میدان، به هزینه و ریسک خود، معاف نمی‌کند (Brazil Model Concession Agreement, 1997, Clause 18.14-18.18).

به‌طور خلاصه، درست است برخی قراردادهای نفتی برای تضمین هزینه‌های برچیدن گزینه‌های دیگری مانند بیمه، اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه را نیز مجاز شمرده‌اند، اما استفاده از این ابزارها نیز مانند صندوق برچیدن نیاز به مقررات جامع‌تری دارد و نباید به این حد اکتفا کرد.

برچیدن و قراردادهای نفتی ایران

برچیدن تأسیسات و تجهیزات نفتی ناشناخته‌ترین موضوع در قراردادهای نفتی ایران است. در هیچ یک از قراردادهای نفتی قبل از تشکیل جمهوری اسلامی مانند امتیازنامه داری، قرارداد امتیازی ۱۳۱۱، قرارداد فروش نفت و گاز و طرز اداره عملیات آن، موافقتنامه تفحص، اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری نفت بین شرکت نفت ایران و شرکت ایتالیایی آجیپ میناریا، موافقتنامه تفحص، اکتشاف، بهره‌برداری و فروش نفت بین شرکت نفت ایران و شرکت سهامی پان امریکن پترولیوم کورپوریشن و قرارداد شرکت نفت خلیج فارس مقرراتی درباره برچیدن تأسیسات نفتی وجود ندارد و تنها مقررهایی که ممکن است ذهن را به سمت برچیدن تأسیسات و تجهیزات نفتی بکشاند، بحث انتقال مالکیت تأسیسات به دولت پس از ختم قرارداد است. البته همان‌طور که قبلاً گفته شد، انتقال مالکیت لزوماً به معنای مسئولیت دولت میزبان در برچیدن تأسیسات نیست.

در قراردادهای بیع متقابل که پس از تشکیل جمهوری اسلامی ایران و از اواسط دهه ۱۳۷۰ شمسی در ایران رواج یافت (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۴۳۴)، مقررات خاصی درباره برچیدن پیش‌بینی نشده است. دلیل این امر آن است که در قراردادهای بیع متقابل، بهره‌برداری از میدان نفتی پس از توسعه به عهده شرکت ملی نفت ایران است و کار پیمانکار با توسعه میدان به پایان می‌رسد. یک میدان نفتی ممکن است پس از اتمام عملیات توسعه حدود بیست سال تولید داشته باشد و بعد موضوع برچیدن مطرح شود. به عبارت دیگر، موضوع برچیدن سال‌ها پس از اتمام قرارداد بیع متقابل مطرح می‌شود و بنابراین، گنجاندن آن در قراردادهای بیع متقابل منطقی نیست. در این قراردادها شرکت ملی نفت ایران به عنوان مالک چاه‌ها و تأسیسات که مسئولیت بهره‌برداری از میدان نفت و گاز را به عهده دارد، باید پس از پایان دوره تولید، چاه‌ها را به نحو ایمنی مسدود و نسبت به برچیدن تأسیسات و خطوط لوله اقدام کند. البته در قراردادهای بیع متقابل پیش‌بینی شده است که اگر در طول عملیات توسعه میدان، نیاز باشد که چاه‌هایی متروکه شوند، این چاه‌ها باید مطابق با رویه قابل قبول در صنعت انجام‌دادن مسدود و موافقت قبلی شرکت ملی نفت نیز در این زمینه اخذ شد.

در ویس مدل جدید قرارداد نفتی (موسوم به IPC) که به استناد «شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز» موضوع تصویب‌نامه‌های شماره ۵۷۲۲۵/ت/۵۳۳۶۷ هـ مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ و ۶۹۹۷۸/ت/۵۳۴۲۱ هـ مورخ ۱۳۹۵/۶/۱۰ هیئت وزیران در حال تهیه و مذاکره با شرکت‌های خارجی و داخلی است، یک ماده به موضوع برچیدن یا ترک‌کردن اختصاص یافته است.

به موجب بند ۱ این ماده، مسئولیت ترک‌کردن و پاک‌سازی سایت پروژه در صورت اتمام قرارداد یا فسخ آن به عهده پیمانکار قرار گرفته است.^۱ پیش‌بینی امکان برچیدن در صورت فسخ قرارداد قبل از اتمام مدت قرارداد فاقد توجیه لازم است، مگر اینکه فسخ و اتمام عمر میدان همزمان باشد که احتمالی بعید است. در خاتمه قرارداد نیز ممکن است برچیدن موضوعیت نداشته باشد، زیرا حداکثر مدت قراردادهای جدید بیست سال از شروع دوره توسعه در نظر گرفته شده است که در بسیاری از موارد از عمر میدان کمتر است. بنابراین، الزامات برچیدن در این ماده به لحاظ منطقی در فرض اتمام عمر میدان قابلیت اعمال دارد.

به موجب بند ۳ ماده یادشده، پیمانکار قبل از آغاز عملیات برچیدن موظف است ابعاد گوناگون فنی، عملیاتی، مالی، اقتصادی، قراردادی و زیست‌محیطی آن را به‌طور تفصیلی در برنامه برچیدن (ترک‌کردن) مشخص و برای بازبینی و تصویب ابتدا به کمیته مشترک مدیریت و سپس، به شرکت ملی نفت ایران تسلیم کند. ابعاد فنی و عملیاتی برنامه برچیدن شامل توصیفی از روش‌های عملی و ایمن برداشتن سازه‌ای، دفع‌کردن یا استفاده مجدد از تأسیسات برچیده‌شده، پاک‌سازی و فعالیت‌های مربوط به پایش و کنترل محل انجام‌دادن عملیات برچیدن پس از خاتمه این فرایند

1. "Upon expiry or termination of this Contract, the Contractor shall be liable for Abandonment and site restoration in respect of the relevant part of the Contract Area, the Field, Reservoir and the well(s), the costs of which shall be charged to the Project Accounts as Petroleum Costs. All Abandonment and site restoration activities, whether in the form of Abandonment of the Contract Area, Reservoir, well(s) or Field, shall be performed in accordance with the Law and Best International Petroleum Industry Practices."

است. فهرست تجهیزات و تأسیسات موضوع برچیدن (شامل خطوط لوله، کابل‌ها، سازه‌های ثابت و متحرک)، موقعیت مکانی محل موضوع برچیدن و زمان آغاز و خاتمه فازهای مختلف عملیات برچیدن باید در این برنامه مشخص شود. در بند ۴ این ماده بیان شده است: «برنامه برچیدن باید شامل پیشنهادهایی درباره فعالیت‌های پایش و حفظ و نگهداری پسماندها از جمله آزمایشات مربوط به کنترل سطح آلودگی‌های هیدروکربوری، فلزات سنگین و دیگر آلاینده‌ها باشد. همچنین، موقعیت مکانی پسماندهای برجای‌مانده در محل نیز باید مشخص شود».^۱ علاوه بر این جزئیات و فنی، در بند ۱ این ماده تصریح شده است که پیمانکار باید عملیات برچیدن را مطابق با «قانون» و «بهترین رویه‌های صنعت بین‌المللی نفت» انجام دهد که یک معیار ترکیبی است.

در مجموع، ترتیبات برچیدن در مدل جدید قرارداد نفتی کلی و مبهم است. نخست، به این دلیل که همه جزئیات آن به برنامه برچیدن واگذار شده است، اما برخلاف مدل قراردادی کشورهای مانند پاکستان، ترینیداد و توباگو، زمان تسلیم این برنامه و بازه زمانی مجاز برای اجرایی کردن آن مشخص نیست و همین مسئله عنصر دقت و نظم را از عملیات برچیدن می‌گیرد. دوم، بعد اقتصادی عملیات برچیدن از جمله ساز و کار تأمین و تضمین مالی در ماده ۱ شرح و

1. "Any Abandonment Plan, including what is to be incorporated in the Annual Work Program and Budget, shall include, inter alia, the following items: a) a technical and economic study to justify Abandonment of the Contract Area, Field, Reservoir or well(s), as the case may be; b) the relative layout of the facilities, fixtures and installations to be abandoned; c) the relative location of the Contract Area, Field, Reservoir and well(s), and the type and status of any other adjacent facilities (cables, pipelines, production and other facilities) which should be taken into consideration; d) a description, inclusive of diagrams, of items to be abandoned, covering production facilities, pipelines, flow-lines and wells; e) a description, costing and comparative evaluation of all feasible removal and disposal options, including details of the Abandonment Plan; procedures for the safe removal of Production Facilities and related infrastructure, including details on how subsequent disposal or reuse is to be effected; and full details of plans for the restoration of the site. Where it is considered that items of recovered equipment have a re-sale value, this information shall be given; f) an outline for the proposed Abandonment Plan, including an outline plan for managing the implementation, and a schedule based on which the various stages of Abandonment are expected to commence and finish; and g) recommendations covering the post-Abandonment phase inspection and maintenance activities, including surveys to monitor the level of hydrocarbon contamination, heavy metals and other contaminants in the Contract Area, where any such remains are to be left in place".

بسط داده نشده است. هر چند در بند ۱ این ماده ذکر شده است که برنامه برچیدن باید در برنامه و بودجه سالانه درج شود، معلوم نیست با پایان درآمذزایی طرح، هزینه‌های برچیدن باید از چه طریقی تأمین و از چه منبعی بازپرداخت شود. در حالی که دغدغه اصلی اکثر مدل‌های قراردادی نحوه تأمین و تضمین هزینه‌های برچیدن است؛ استفاده از صندوق یا حساب اختصاصی برچیدن و چگونگی اداره آن قسمت اعظم مقررات مربوط به برچیدن را در قراردادهای نفتی به خود اختصاص داده است. در صورتی که در مدل جدید قرارداد نفتی ایران نسبت به نمونه قراردادهای دیگر کشورها ابعاد فنی و عملیاتی برچیدن نسبت به بعد اقتصادی آن پررنگ‌تر است. البته تأکید مدل جدید قرارداد نفتی بر بعد عملیاتی برچیدن، دست‌کم در مسئله مسئولیت پس از برچیدن، برای آن یک مزیت محسوب می‌شود. زیرا در نمونه‌های قرارداد مشارکت در تولید بنگلادش و قرارداد امتیازی برزیل، جبران خسارت ناشی از پسماندها نسبت به بعد ایمنی و زیست‌محیطی مسئولیت پس از برچیدن اهمیت بیشتری دارد.

نتیجه

چارچوب قراردادی برچیدن جایگاهی برای تعیین حقوق و تعهدات دولت‌های میزبان و شرکت‌های بین‌المللی نفتی در موضوع برچیدن تأسیسات و تجهیزات نفتی است. این چارچوب به‌ویژه برای کشورهای غنی و درحال توسعه نفتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا بسیاری از این کشورها به دلیل نداشتن تجربه عملی در این فرایند و دور فرض کردن آن، فاقد مقررات قانونی برچیدن هستند و قراردادهای نفتی می‌تواند برای تعیین الزامات برچیدن به آن‌ها کمک کند. در قراردادهای بیع متقابل ایران که پس از تشکیل جمهوری اسلامی ایران از اواسط دهه ۱۳۷۰ شمسی در ایران رواج پیدا کرد، مقررات خاصی درباره برچیدن پیش‌بینی نشده است، اما در پیش‌نویس نمونه قرارداد نفتی (موسوم به IPC) ماده‌ای به برچیدن اختصاص داده شده است. به‌طور کلی، چارچوبی که از بررسی این نمونه قراردادها می‌توان ترسیم کرد، چارچوب بسیار ساده‌ای است که از عملیات اجرایی فرایند برچیدن الهام می‌گیرد و شامل آغاز عملیات، چگونگی انجام‌دادن و در نهایت، خاتمه آن است. ضمن اینکه جزئیات انجام‌دادن این عملیات نیز از

قراردادی به قرارداد دیگر متفاوت است. در کنار این فضای کلی، عمده نگرانی این نمونه قراردادها بعد تأمین و تضمین مالی برچیدن و به‌کارگیری سازوکار صندوق برچیدن در این زمینه است. با این وجود، مقررات این نمونه قراردادها برای پرداختن به این بعد بسیار مهم از فرایند برچیدن، کلی و مختصرند و برای ایجاد امنیت در مقابل یک نگرانی عمده ناکافی به نظر می‌رسند. بر همه این نواقص، بی‌توجهی به ابعاد زیست‌محیطی و اجتماعی برچیدن را نیز باید افزود. چنین چارچوب ساده و شسته‌رفته‌ای دقیقاً از نبود زیرساخت‌های قانونی نشأت می‌گیرد. زیرا در رویه قراردادهای بهره‌برداری مشترک در کشورهایی مانند انگلستان، نروژ، آمریکا یا کانادا جزئیات مقررات مربوط به برچیدن با الزامات قانونی موجود در این کشورها هماهنگ است. بنابراین، توسعه نظام قراردادی برچیدن در کشورهای غنی و کمتر توسعه‌یافته نفتی در گرو تنظیم مقررات قانونی مبسوط در این زمینه است.

منابع و مأخذ

۱. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳). *حقوق نفت و گاز*. تهران: انتشارات میزان.
2. Cameron, P. (1990). The development of a legal framework for the removal of offshore oil installations. *ICSID Review*, 5(1), 30-53.
3. Cameron, P. (1999). Tackling the decommissioning problem. *Natural Resources & Environment*, 14(2), 121-126.
4. Chatterjee, P. (2011). What are the main risks facing a host state when designing a regime for offshore decommissioning?. *Social Science Research Network*, New York, Browser Download this paper 28 Jan 2011.
5. Dumbuya, R. (2010). *Post decommissioning liability in oil and gas offshore operations: whose responsibility it is?*. Scotland, University of Dundee, pp. 1-16.
6. Orszulik, S. T. (2008). *Environmental technology in the oil industry*. London: Springer.
7. Saunders, M. (1996). Abandonments agreements. In Martyn R. David (ed), *Upstream oil and gas agreements with precedents*, London: Sweet & Maxwell.
8. Tienhaara, K. (2010). Environmental aspects of host government contracts in the upstream oil & gas sector. *Oil, Gas and Energy Law Intelligence*, 8(3), 1-25.
9. World Bank Stakeholder Initiative (2010). *Towards sustainable decommissioning and closure of oil fields and mines: a toolkit to assist government agencies*. Available at: www.eisourcebook.org.